«فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا»

شماره تصمیم نهایی : 9709972160101240
تاریخ تنظیم : 1397/10/26
شماره پرونده : 9709982160100115
شماره بایگانی شعبه : 970116

شعبه 36 دادگاه عمومي حقوقي مجتمع قضايي شهيد صدر تهران

تصمیم نهایی

دادگستري كل استان تهران

ونده کلاسه 9709982160100115 شعبه 36 دادگاه عمومي حقوقي مجتمع قضايي شهيد صدر تهران تصمیم
ایی شماره

واهان: بازرگاني پتروشيمي با وكالت آقاي علي محمد مكرمي فرزند احمدعلي به نشاني تهران - تهران - تهران
مالزاده شمالي بالاتر از بلوار كشاورز پ 337 واحد 4

وانده: شركت بازرگاني كارآوران به نشاني تهران - خيابان خرمشهر پلاك 151 طبقه دوم

واسته ها:

. تامين خواسته

. درخواست ابلاغ راي داور

. درخواست اجراي راي داور و شناسايي راي داوري

صمیم دادگاه: ختم دادرسی اعلام می شود. رای دادگاه از قرار زیر است.

رای دادگاه

. این پرونده شرکت بازرگانی پتروشیمی با وکالت آقای علی محمد مکرمی درخواست شناسایی و اجرای رای داوری
صادره در دیوان داوری بین المللی اتاق بازرگانی بین المللی (پاریس) علیه شرکت بازرگانی کارآوران را نزد این دادگاه
طرح کرده است. خواهان با رعایت شرایط مقرر در ماده 4 کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم
ده در نیویورک (10جون1958) مستندات خود شامل رونوشت مصدق حکم و موافقتنامه داوری را به درخواست
ود پیوست کرده است. دادگاه پس از ارزیابی کلی و اولیه مستندات ، جهت رعایت حقوق قانونی طرف مقابل (محکوم
لیه) و از جمله استفاده از شرایط مقرر در بند 1 ماده 5 کنوانسیون نیویورک قابلیت به مناقشه گذاشتن موضوع
ناسایی و صدور دستور اجرای رای، دستور تعیین وقت رسیدگی (به درخواست) و ابلاغ مراتب به طرف مقابل را
صادر کرد. در وقت مقرر جلسه تشکیل شد. هیچ واکنشی از خوانده مشاهده نشد. دادگاه پس از ارزیابی درخواست
تنباط های خود را به شرح زیر اعلان می کند: اولن، رای صادره اگرچه در مورد اختلاف بین اتباع ایرانی صادر
ده، اما مقر داوری خارج از ایران است .از آنجایی که با وجود سکوت قانون داوری تجاری بین المللی (مصوب
137) در مورد معیار تابعیت رای داوری و چگونگی توصیف آرای داوری خارجی، ماده 1 کنوانسیون نیویورک به
راحت معیار مقر داوری را برای توقیف رای خارجی مقرر کرده و چون به موجب قانون الحاق دولت جمهوری
لامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام خارجی (مصوب 1380/01/21) ، ایران به این کنوانسیون
وسته و چون به حکم ماده 9 قانون مدنی این کنوانسیون (پس از الحاق ایران) به مثابه و هم ارز مقررات قانونی ایران
ت، پس به موجب آن هم عمل می شود و رای صادره در پاریس (فرانسه) مشمول قواعد مذکور در کنوانسیون است.
آنجایی که داوری ، به رغم وصف قراردادی فرآیند و عملی قضایی است و وابستگی سرزمینی اقدامات قضایی با
ایی که مقر تشکیل دیوان (مرجع) رسیدگی غیرقابل انکار است. از آنجایی که اصل پیشگیری از صدور تصمیمات
عارض در سطح بین المللی مورد قبول است (مطابق مستفاد از اصل دوم از اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی
بر طبق ماده 3 قانون آیین دادرسی مدنی می تواند اعتبار یک قاعده حقوقی را بیابد). و این اصل چنین ایجاب می کند
در نظارت قضایی دادگاههای کشورهای مختلف،اگر یک معیار مشخص اعمال نمی شود دست کم انتخاب معیار، به

تصمیم نهایی

دادگستری کل استان تهران

گونه ای صورت پذیرد که تداخل صلاحیت پیش نیاید.در مورد مطروحه نیز انتخاب معیار مقر با این مصلحت هماهنگ است.درنتیجه دادگاه در مقام رسیدگی به درخواست شناسایی و اجرا تنها در محدوده نظم عمومی و سایر الزامات قانونی به ارزیابی قابلیت شناسایی و اجرا می پردازد و یک نظارت کلی حاوی اختیار حکم بر ابطال رای را اعمال نمی کند. و در مورد این رای ، فقط دادگاه مقر صدور رای (فرانسه) می تواند به درخواست ابطال رسیدگی کند؛ تنها پایبندی به معیار مقر است که این نظم و پیوستگی در اعمال صلاحیت بررسی و نظارت قضایی توسط دادگاه های کشور های مختلف را ممکن می سازد. از آنجایی که مطابق تفسیرهای معتبر نویسندگان حقوقی که مورد تایید این دادگاه هم هست از مجموع مواد6،2،1و35 قانون داوری تجاری بین المللی هم به خوبی معیار مقر صدور رای به عنوان معیار تابعیت آن استنباط می شود. بر بنیاد این استدلال ها، به رغم این که قانون(ماهوی) حاکم بر اختلاف طرفین قانون ایران بوده و به رغم این که درخواست اجرا از سوی طرف ایرانی علیه یک طرف ایرانی دیگر مطرح شده، باز هم تابعیت رای خارجی است. ثانین، دادگاه در مقام اعمال نظارت قضایی هم مقررات مذکور در قانون داوری تجاری بین المللی و قانون آیین دادرسی مدنی و قانون الحاق به کنوانسیون نیویورک را قابل استناد و حاکم بر قضیه می داند. و در ارزیابی رای موضوع اجرا، موارد زیر بررسی شد: ابتداء تجاری بودن رابطه ی حقوقی منشاء آن(بند 1 ماده واحده الحاق به کنوانسیون نیویورک)، سپس صدور رای و عضویت فرانسه در کنوانسیون نیویورک و پس از آن عدم منع قانونی در ارجاع دعوای منتهی به رای به داوری(تبصره ماده واحده قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک). همچنین قابلیت حل و فصل اختلاف از طریق داوری (قسمت الف بند 2 ماده 5 کنوانسیون نیویورک ناظر برماده 496 قانون آیین دادرسی مدنی) نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. از مجموع موارد پیش گفته هیچ مانع قانونی در ارتباط با شناسایی و اجرای رای موضوع درخواست احراز نشد.ثالثن، دادگاه در مقام پاسداری از نظم عمومی در قلمرو سرزمینی ایران ، تنها بخشی از رای را مردد و نیازمند بررسی یافت، منظور حکم بر الزام خوانده به پرداخت بهره است.در این مورد حکومت مقررات (ماهوی)ایران بر اختلاف ، بررسی دقیقتر و جامع تر دادگاه را ایجاب می کند.نتیجه بررسی دادگاه در مورد این بخش از رای چنین است: به رغم آن که دیوان داوری به مقررات داخلی ایران اشاره کرده و در صدد توجیه رای خود برآمده ، اما استنباط ایشان از جهات ذیل مخدوش است: نخست، بهره به طور کلی یا قانونی است یا قراردادی و در ایران که(مطابق مستفاد از اصول 4و49 قانون اساسی و مواد 595 قانون مجازات اسلامی و 522 قانون آیین دادرسی مدنی) بهره ممنوعیت کلی دارد هیچ جایگاهی برای حکم به بهره در مسولیت ناشی از نقض قرارداد وجود ندارد ، این نهی قانونی ربا به مثابه توصیف قاعده منع و حرمت ربا به قاعده ای مرتبط با نظم عمومی است.در حکم موضوع بررسی دیوان داوری در رای خود وجود رابطه قراردادی بین طرفین را احراز کرده و بر این بنیاد که خلف وعده ی خوانده باعث شده که خواهان مجبور به باز فروش کالای خود شود و در این رهگذر زیان ببیند، مسئول جبران این خسارات شناخته شده است. پس سخن از نقض یک تعهد پولی و الزام به پرداخت آن به همراه بهره در میان نیست. اساسن دیوان بر پیش فرض عدم اجرا و انحلال قرارداد حکم داده و نه اجرای آن، در حالی که بهره وقتی معنا دارد که حکم اجرای قرارداد(به الزام پرداخت پول) و خسارت تاخیر آن در میان باشد. دوم، دیوان چنین استنباط کرده که تبصره 2 ماده 515قانون آیین دادرسی مدنی (غیر قابل جبران بودن عدم النفع)یک قاعده آیین دادرسی است.در حالیکه چنین نیست و قاعده غیر قابل جبران بودن عدم النفع یک قاعده ماهوی است و چون قانون ماهوی حاکم(بر اختلاف) قانون ایران است،استنباط دیوان در مورد این که این قاعده مانعی برای حکم بر بهره نیست نادرست تشخیص داده می شود. سوم، حکم اصلی دیوان راجع به خسارت است. خسارت ناشی از ترک قرارداد و آنچه از اجبار خواهان به بازفروش کالا بر وی تحمیل شده است، حال بهره چه جایگاهی دارد؟ بر خلاف استنباط دیوان، در اینجا بهره فرعی است که به فرع دیگر(خسارات) افزوده شده و در ایران هیچ گاه حکم به خسارت بر خسارت داده نمی شود. پس این بخش از رای متضمن نقض یک قاعده موجد حق است(بند 1 ماده 489 قانون آیین دادرسی مدنی) و در ایران حکم بر

شماره تصمیم نهایی : 9709972160101240
تاریخ تنظیم : 1397/10/26
شماره پرونده : 9709982160100115
شماره بایگانی شعبه : 970116

شعبه 36 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر
تهران

تصمیم نهایی

دادگستری کل استان تهران

بهره (آن هم علیه یک ایرانی)مغایر با نظم عمومی است . دادگاه به استناد قواعد فوق الذکر و (بتدب قسمت دوم)ماده5کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک و ماده975قانون مدنی ضمن اعلان شناسایی و صدور دستور اجرای بخش اصلی حکم،تنها بخشی از آن که راجع به بهره است را شناسایی نمی کند و آن را غیر قابل اجرا اعلام می دارد. دادگاه با توجه به این که بررسی درخواست شناسایی و اجرای رای مهمترین (و تنها) مجرای اعمال نظارت قضایی از سوی دادگاه ملی در مورد آرای داوری خارجی است و از آنجایی که حقوق محکوم علیه در رابطه با زیر سوال بردن قابلیت شناسایی و اجرای رای (که در ماده 5 کنوانسیون نیویورک پیش بینی شده) با حق دفاع وی (در اینجا امکان شکایت از تصمیم شناسایی و اجرا) پیوند دارد و از آنجایی که این دادگاه در مقام ارزیابی رای داوری خارجی به انطباق شرایط آن با قواعد حقوقی و استنباط و استنتاج دست می زندکه کلش قضایی و جوهر اصلی هر تصمیم قضایی به حساب می آید، تصمیم در مورد شناسایی و اجرا(به شرح بالا)را در قالب یک تصمیم قضایی صادر و اعلان می کند . هر کدام از طرفین(نسبت به بخشی از تصمیم که علیه منافع ایشانست) می توانند ظرف بیست روز پس از ابلاغ نسبت به این تصمیم قضایی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران تجدید نظر خواهی کنند. تاکید می شود که این تصمیم حاوی دستور اجراست و اثار آن از زمان صدور رای اعمال می شود.

همایون رضایی نژاد-رییس شعبه 36 دادگاه عمومی و حقوقی صدر تهران

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است
نشانی: تهران - ونک - خیابان شیخ بهایی شمالی- کوچه دوازده متری اول - مجتمع قضایی صدر